

The Role of Pragmatic Components the Explanation of Verses Including the Qur'an's Social Interaction with People of the Book, with Emphasis on Surah Al-'Imran:93

Zahra Hashemi¹

Shadi Nafisi²

Seyedeh Fatemeh Hashemi³

DOI: [10.22051/tqh.2020.32008.2901](https://doi.org/10.22051/tqh.2020.32008.2901)

Received: 01/07/2020

Accepted: 20/09/2020

Abstract

Pragmatics as a branch of linguistics is used in the field of Qur'anic exegesis to reveal the semantic dimensions of the verses at the level of serious intent and to interpret and explain the meanings of the short phrases while applying and based on conditions, time and place of the production of a phrase. The Holy Qur'an constantly speaks of the issue of food, it's lawful or unlawful. This is always linked to one of the aspects of prophecy and mission, especially the need to follow the messenger and the chosen person from God, to avoid deviation. According to the verse Al-'Imran: 93, among the monotheistic nations before the revelation of the Torah, the issue of lawful and unlawful dates back to the religious leader. The pragmatic approach to understand this verse shows that the subject of food and eating is a multidimensional issue that is intertwined with different issues and concepts in the Holy Qur'an. The concepts of monotheism and prophecy of the Prophet of Islam as well as choosing and then following the Imam or the leader are key concepts must be noted and considered here.

Keywords: *Pragmatics, Social Interactions, People of the Book, Surah Al-'Imran.*

¹. PhD Candidate of Department of Qur'an and Hadith Sciences and Arabic Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

mahtahashemi1@gmail.com

². Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Tehran University, Tehran, Iran. (The Corresponding Author).

shadinafisi@ut.ac.ir

³. Assistant Professor of Department of Qur'an and Hadith Sciences and Arabic Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

dr.fat.hashemi@gmail.com

The Role of Pragmatic Components the Explanation of Verses Including the Qur'an's Social Interaction with People of the Book, with Emphasis on Surah Al-'Imran:93

Zahra Hashemi¹

Shadi Nafisi²

Seyedeh Fatemeh Hashemi³

DOI: 10.22051/tqh.2020.32008.2901

Received: 01/07/2020

Accepted: 20/09/2020

Extended Abstract

Since the basis of religious studies in the Islamic tradition is the interpretation of the Qur'an and Hadith, certainly, on the one hand, updating the method of interpretation of the past and expressing it in the language of science today is an important step that improves our method of interpreting verses and makes it possible to exchange and understand with other researchers around the world with a tool that is better understood and accepted. On the other hand, re-reading the methods and tools developed in applied science, which has the heavy task of retelling the speaker's intent and is in line with the goals of many Islamic sciences, especially interpretation, and adapting them to elements in different Islamic culture and sciences, while identifying the strengths and weaknesses of each of the two methods, it can lead to the opening of new horizons of knowledge for Islamic scientists. Applied knowledge is a branch of linguistics that can be included in the field of interpretation of the Qur'an and reveal the semantic dimensions of these verses at the level of serious intent

¹. PhD Candidate of Department of Qur'an and Hadith Sciences and Arabic Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

mahtahashemi1@gmail.com

². Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Tehran University, Tehran, Iran. (The Corresponding Author).

shadinafisi@ut.ac.ir

³. Assistant Professor of Department of Qur'an and Hadith Sciences and Arabic Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

dr.fat.hashemi@gmail.com

and to interpret and explain the meanings of the parts of the words during the application and based on the conditions and time and place of production of the parts. Surah Al-Imran raises various issues in relation to the relationship with Other Montheist religions. Verses of this surah examine their intellectual and behavioral characteristics in the past and present. In this surah, rulings on the necessity of uniting the ranks of Muslims and taking action against the enemy have been given meaningful references, and in dealing with these issues, verse 93 of Surah Al-Imran deals with the issue of Jewish food. The Holy Qur'an has repeatedly addressed the issue of food, lawful and unlawful. This is always linked to one of the aspects of prophecy and mission, especially the need to follow the messenger and the chosen person of God to avoid going astray. According to verse 93 of Al-Imran, it can be said that among the God-fearing nations before the revelation of the Torah, the matter of sanctity and sanctity was returned to the religious leader. The pragmatic approach in understanding this verse shows that the subject of food and eating is a multi-dimensional subject whose design in the Holy Qur'an is mixed with various topics and concepts, and of course, the concept of monotheism and prophet hood of the Prophet of Islam and choosing and following Imam and Muqtada is one of the main concepts related to this issue.

Keywords: *Pragmatics, Social Interactions, People of the Book, Surah Al-Imran.*

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س.)

سال هفدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، پیاپی ۴۸، مقاله پژوهشی، صص ۲۱۳-۲۴۱

نقش مؤلفه‌های کاربردشناختی در تبیین آیات مشتمل بر تعاملات اجتماعی قرآن با اهل کتاب با تأکید بر آیه ۹۳ سوره آل عمران

زهرا هاشمی^۱

شادی نفیسی^۲

سیده فاطمه هاشمی^۳

DOI: 10.22051/tqh.2020.32008.2901

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۳۰

چکیده

دانش کاربردشناسی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که می‌تواند در حوزه تفسیر قرآن وارد شود و ابعاد معنایی این آیات را در سطح مراد جدی آشکار سازد و به تفسیر و تبیین معانی پاره گفت‌ها در هنگام کاربرد و بر اساس شرایط و موقعیت زمانی و مکانی تولید پاره گفت بپردازد. قرآن کریم بارها به موضوع طعام و حلیت و حرمت آن توجه کرده است. این موضوع همواره با یکی از وجوه مربوط به امر نبوت و رسالت، به‌ویژه لزوم تبعیت از فرستاده و شخص برگزیده

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث و زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
mahtahashemi1@gmail.com

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
shadinafisi@ut.ac.ir

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث و زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
dr.fat.hashemi@gmail.com

الهی برای جلوگیری از گمراه شدن در پیوند است. بر اساس آیه ۹۳ سوره آل عمران می‌توان گفت که در میان امت‌های موحد قبل از نزول تورات نیز امر حلیت و حرمت به مقتدا و پیشوای دینی باز می‌گشته است. رویکرد کاربردشناسی در فهم این آیه نشان می‌دهد که موضوع خوراکی‌ها و خوردن، موضوعی ذو ابعاد است که طرح آن در قرآن کریم با موضوعات و مفاهیم مختلف در آمیخته است و البته در این میان، مفهوم توحید و نبوت پیامبر اسلام (ص) و نیز برگزیدن و تبعیت از امام و مقتدا، از اصلی‌ترین مفاهیمی است که با این موضوع پیوند خورده است.

واژه‌های کلیدی: کاربردشناسی، تعاملات اجتماعی، اهل کتاب، سوره آل عمران.

مقدمه و طرح مسئله

از مباحث مطرح در تعاملات بشری، ارتباط اسلام با سایر ادیان توحیدی است. از نظر اسلام، ارتباط مسالمت‌آمیز مسلمان‌ها با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف است و اعلامیه جهانی اسلام آیه ۶۴ سوره آل عمران می‌باشد که می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ» (آل عمران: ۶۴). سوره آل عمران در رابطه با روابط با اهل کتاب موضوعات مختلفی را مطرح می‌کند. آیات ۶۳ تا ۹۹ این سوره به بررسی ویژگی‌های فکری و رفتاری نادرست اهل کتاب و دیگر کافران و مشرکان در گذشته و حال می‌پردازد. در این سوره احکام شریعت کمی آمده است که به صورت ضمنی قابل استفاده است.

احکامی در زمینه لزوم وحدت صفوف مسلمین و خانه کعبه، فریضه حج، دعوت به وحدت مسلمانان و پایمردی در مقابل دشمن اشارات پر معنایی شده است و در میانه

پرداختن به این موضوعات، آیه ۹۳ سوره آل عمران به موضوع خوراکی های یهود می پردازد: «كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّیَّیْ إِسْرَائِیلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِیلُ عَلَیْ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (آل عمران: ۹۳).

بحث حلیت طعام در تورات موضوعی اختلافی در میان یهودیان است. آرای مفسران شیعی و سنی نیز همواره با این چالش مواجه بوده است که چرا آیه یاد شده در میان آیات ناظر بر تعامل با ادیان قرار گرفته و طعام چه ارتباطی با تبعیت از دین ابراهیم دارد؟ آیا وجود احکام خوراکی ها در میان این جملات، پیوستار منطقی مفاهیم و موضوعات در قرآن کریم را با خلل مواجه نکرده است؟

هدف این پژوهش، بروزرسانی روش گذشتگان در تفسیر قرآن با استفاده از اصول و مؤلفه های دانش کاربردشناسی و برخی دیگر از عناصر مرتبط به آن و همچنین کشف و تبیین مراد جدی آیات مرتبط با تعاملات اجتماعی قرآن با سایر ادیان توحیدی با تکیه بر آیه ۹۳ سوره آل عمران با روش کاربردشناختی است. با بررسی هایی که بر روی آیه شریفه صورت می گیرد، با توجه به قرائن زبانی، بافت درون زبانی، برون زبانی (موقعیت)، از پیش انگاری ها و دانش های پیش زمینه ای، می توان برای این آیه به لحاظ محتوای آن بر معانی ضمنی که نشان دهنده تبیین منظور است و همچنین به لحاظ نوع فعل گفتاری انجام گرفته در این آیه، الگوی متفاوتی ترسیم کرد.

پیشینه بحث

پژوهش حاضر از نوع مطالعات بین رشته ای است. از این رو در بررسی پیشینه این موضوع لازم است به هر دو نوع پژوهش های انجام گرفته در بخش قرآنی و قرآنی-کاربردشناسی اشاره شود:

در بخش قرآنی، ناهید دهقان عقیقی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی معنای طعام در آیه ۵ سوره مائده» این گونه بیان کرده است که طعام از دیدگاه مفسرین و فقهای شیعه در قرآن به معنای حبوبات، نان گندم، میوه جات بوده و به هیچ وجه نمی توان آن را به معنای قربانی ها و

۲۱۶ مقاله پژوهشی: «نقش مؤلفه‌های کاربردشناختی در تبیین آیات مشتمل بر تعاملات اجتماعی قرآن با اهل کتاب با تأکید بر آیه ۹۳ سوره آل عمران»: هاشمی، نفیسی و هاشمی

یا هرگونه خوراک دانست. زیرا اگر اطلاق معنای طعام در نظر گرفته شود، تمام غذاهایی که اهل کتاب حلال می‌دانند، برای مسلمانان نیز حلال خواهد بود و این با نصوص متعدد در کتاب و سنت تعارض خواهد داشت.

در زمینه استفاده از دانش کاربردشناسی در تفسیر قرآن کریم، عبدالرافت محفوظ (۲۰۰۷) در کتاب خود با عنوان «بررسی کاربردشناسانه آیات محاوره‌ای در قرآن کریم»، با رویکرد کاربرد شناسانه، مکالمه‌های موجود در قرآن به‌ویژه در قصص قرآنی را با استفاده از اصول همکاری گرایس بررسی کرده است. بررسی پیشینه موضوع حاکی از آن است که در هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها، بررسی آیات مرتبط به تعامل اجتماعی قرآن با اهل کتاب با تأکید بر آیه ۹۳ سوره آل عمران با استفاده از دانش کاربردشناسی وجود ندارد.

روش تحقیق

از آنجا که این مقاله بنا دارد نظام معنایی و حکمی جمله مرتبط به تعامل اجتماعی با اهل کتاب را در آیه ۹۳ سوره آل عمران بررسی کرده و با استفاده از دانش کاربردشناسی معنای آن را با هدف دستیابی به مراد جدی تبیین کند، لازم است از مهم‌ترین عنصر این دانش یعنی بافت در سطح وسیعی استفاده کند. بنابراین در ابتدا این آیه را از سه فیلتر بافتی یعنی بافت درون زبانی و بافت برون زبانی و از پیش‌انگاری عبور داده و سپس بر اساس مؤلفه‌های کاربردشناسی ارزیابی می‌شود تا منجر به تبیین معنایی آیه شریفه فوق شود.

این مؤلفه‌ها که در قسمت‌های بعد توضیح آن آمده است، در بخش بافت درون زبانی شامل ارجاعات و در بخش بافت برون زبانی (موقعیت) شامل پنج مورد می‌باشد: صحنه^۱، شرکت‌کنندگان^۲، ترتیب عمل^۳، سبک کلام^۴ و هدف^۵ است.

^۱ Setting and scene

^۲ Participants

^۳ Act sequence

^۴ Genre

^۵ End

علاوه بر آن، دو عنصر دیگر با عنوان تلویحات و کارگفت‌ها نیز در زیرمجموعه کاربردشناسی قرار می‌گیرد که بر اساس بررسی‌های انجام گرفته، ماهیتی بافتی ندارند؛ بلکه برآیند بررسی بافتی یک عبارت یا سخن هستند؛ از این رو، این دو مؤلفه در این مقاله به عنوان برون داد و نتیجه بررسی بافتی این آیه مطرح خواهند شد که در مواردی با بررسی کاربردشناسی آیه به نتایج جدید و کشف مفاهیم تازه منجر شده و در مواردی نیز به تأیید و تقویت بیشتر دیدگاه‌های مفسران و علوم قرآنی منتهی شد.

۱. تعریف کاربردشناسی

پیش از تعریف «کاربردشناسی»^۶ باید مرحله قبل از آن که معناشناسی است، بیان شود. معناشناسی همان معنای ظاهری کلمات و درج شده در فرهنگ لغت است که واژه‌ها ساده، ثابت و دارای معنای واحدی هستند. هنگامی که از معناشناسی سخن می‌گوییم، مراد ما همان روش سنتی قدیمی است که به تجزیه و تحلیل کلام همراه با مطالعه رابطه میان صورت و نقش جمله‌های زبان محدود می‌شود (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

کاربردشناسی مطالعه معنایی است که گوینده یا نویسنده آن را منتقل و شنونده یا خواننده متن برداشت می‌کند و در واقع بررسی منظور گوینده است که بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفتارهایشان سروکار دارد تا با معنای خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند.

این گونه بررسی ناگزیر تفسیر منظور افراد را در یک بافت خاص و همچنین چگونگی تأثیر آن بافت بر پاره گفت را نیز در برمی‌گیرد و مستلزم توجه به این نکته است که چگونه سخنگویان کلام خود را با در نظر گرفتن مخاطب، زمان و شرایط حاکم سازماندهی می‌کنند. بنابراین کاربردشناسی بررسی معنای بافتی است (یول، ۱۳۹۵، ص ۱۱). به بیان دیگر، مرز تفکیک وجه تمایز میان نحو و معناشناسی از کاربردشناسی به عنوان زیر رشته‌های زبان‌شناسی در گروه مفهوم بافت است (صانعی پور، ۱۳۹۰، ص ۶۲). از این رو

^۶ Pragmatics

لازم است در ابتدا انواع مختلف بافت و تعریف‌های هر کدام را بررسی کرده و جایگاه آن را در این تحقیق مشخص نماییم.

۱-۱. انواع بافت

در مواجهه با یک متن حداقل سه دسته اطلاعات به نام لایه‌های بافتی وجود دارد که به فهمیدن مراد متکلم کمک می‌کنند. این لایه‌های بافتی در قالب مفاهیمی که در این نوشتار از آن به عنوان مؤلفه‌های کاربردشناسی یاد می‌شود، به شناساندن منظور گوینده یا نویسنده کمک می‌کنند. از جمله مفاهیم کلیدی کاربردشناسی و به طور خاص در این مقاله مفهوم «بافت»^۷ است. بافت دارای لایه‌های گوناگونی است:

الف) «بافت درون زبانی»^۸ که شامل زنجیره‌ای از کلمات تولید شده در جمله است که با توجه به رابطه کلمات با یکدیگر و انتخاب آن واژه‌ها از میان گروهی از کلمات مترادف به درک ما از مراد تولیدکننده متن کمک می‌کند (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۴۰).

ب) «بافت برون زبانی»^۹ (بافت موقعیت) به کلیه شرایط موجود مرتبط فرازبانی و شرکت‌کنندگان دخیل در تولید تفسیر متن گفته می‌شود (آفاگل زاده، ۱۳۹۲، ص ۳۹).

«هایمز» زبان‌شناس اجتماعی پنج عنصر مهم را برای بافت برون زبانی ترسیم کرد که عبارتند از: صحنه، شرکت‌کنندگان، ترتیب عمل، سبک کلام و هدف (صفوی، ۱۳۹۳، ص ۳۱۳). عناصر متناظر آن در علوم قرآن، مکی و مدنی، مخاطبان، جملات قبل و بعد، لحن و پیام اصلی در نظر گرفته شده که آیات مورد نظر بر این اساس یعنی پنج مؤلفه بررسی می‌شود (صفوی، ۱۳۹۳، ص ۳۱۳).

^۷ Context

^۸ Linguistic context

^۹ Physical Context

ج) از پیش‌انگاری که دانش‌های زمینه‌ای مخاطب و پیش‌فرض‌های متکلم است که در نقش بافت عمل کرده و به فهمیدن مراد متکلم یا نویسنده کمک می‌کند (Saeed, 2003, p192).

۲. تحلیل آیه ۹۳ سوره آل عمران

در قرآن کریم آیاتی راجع به وضعیت حرمت و حلیت گوشت‌ها برای بنی اسرائیل قبل و بعد از نزول تورات وجود دارد و بیانگر آن است که پیش از نزول تورات همه طعام‌ها بر بنی اسرائیل حلال بوده به استثنای آنچه اسرائیل یعنی یعقوب (ع) بر خود حرام کرده است اما پس از نزول تورات برخی از آنچه حلال و طیب بوده به جهت ارتکاب گناهان و ظلم‌های بنی اسرائیل به منظور تنبیه بر آنها حرام و مجدداً در شریعت حضرت عیسی (ع) حرمت آنها برداشته می‌شود. در تفسیر قسمت‌هایی از این آیه میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد که تنها به موارد متناسب با بحث به اختصار اشاره می‌شود:

در خصوص عبارت «ما حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ» قریب به اتفاق مفسران فریقین آنچه را که اسرائیل (یعقوب) بر خود حرام کرد را گوشت شتر دانسته‌اند. این نظر بر مبنای روایاتی است که در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده و بیان داشته که ایشان به دلیل بیماری عرق النساء یا سیاتیک، خوردن این گوشت را که به درد او می‌افزود، بر خود تحریم کرده بود (عیاشی، ۱۳۸۰ق، صص ۱۸۴ و ۲۸۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴) یا نذر وی برای شفای از این بیماری، علت این کار نقل شده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۵).

اما این که بعد از نزول تورات حکم حلیت و حرمت غذاها به چه صورت بوده، این آیه نسبت به آن ساکت است، گرچه برخی مفسران در این باره اصلاً سخنی نگفته و یا اینکه شتر را به عنوان مصداق «ذی ظفر» در آیه ۱۴۶ سوره انعام ذکر کرده‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۲۷۶).

۲۲۰ مقاله پژوهشی: «نقش مؤلفه‌های کاربردشناختی در تبیین آیات مشتمل بر تعاملات اجتماعی قرآن با اهل کتاب با تأکید بر آیه ۹۳ سوره آل عمران»: هاشمی، نفیسی و هاشمی

مفسران آراء مختلفی در بیان مراد این آیه ارائه کرده‌اند. برخی معتقدند که این آیه در مقابل اعتراض یهود بر نسخ و برای اثبات آن است، چون هر طعامی حلال بوده و پس از نزول تورات حرام گردیده، پس احکام نسخ شدنی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۳۷). برخی دیگر معتقدند این آیه شریفه تشویق به "بر" است زیرا محور احکام اسلام "بر" است و خطاب به یهود که «اگر شما در تمام موارد فوق صادق هستید و به گفته شما که ابراهیم از دین یهودیت بوده است، پس چرا از آوردن تورات ابا می‌کنید» (ابن عاشور، ج ۳، ص ۶۵۵). مفسران در این آیه کمتر به تبیین معانی ضمنی که نشان‌دهنده تبیین منظور گوینده است و همچنین به لحاظ نوع فعل گفتاری انجام گرفته، پرداخته‌اند.

بر اساس آیه فوق، پیش از نزول تورات، همه خوراکی‌ها بر فرزندان اسرائیل حلال بود، جز آنچه گوشت و شیر شتر که اسرائیل (یعقوب) بر خویشان حرام کرده بود. خداوند در ادامه بحث از اهل کتاب به نکته دیگری اشاره می‌کند و یکی از احکام موجود در تورات را که حکم طعام می‌باشد، بیان می‌کند و با صراحت، تمام تهمت‌های یهود را درباره تحریم پاره‌ای از غذاهای پاک (مانند شیر و گوشت شتر) رد می‌کند. تلاش این بخش از مقاله بر این است که با استفاده از دانش کاربردشناسی و مؤلفه‌های مذکور، فهمی جدید از آیه فوق را ارائه دهد.

۱-۲. تحلیل بافت درون زبانی آیه

بافت درون زبانی شامل ارجاعات می‌شود. صورت‌های زبانی که با استفاده از آنها گوینده یا نویسنده شرایطی را فراهم می‌کند تا شنونده یا خواننده بتواند پدیده‌ای را بشناسد، عبارات ارجاعی می‌گویند.

این عبارات ارجاعی شامل اسامی خاص، اسم‌های معرفه به «ال» و «ضمایر» و اسم‌های نکره می‌باشند که به کمک آنها می‌توانیم موضوع مورد گفتگو را شناسایی کنیم. شناسایی منظور گوینده از عبارات ارجاعی فقط با کمک بافت درون زبانی و ذکر مرجع و آوردن قرائن بافت زبانی انجام نمی‌گیرد و توجه به شرایط زمانی، مکانی و

پیش‌زمینه‌های شنونده نیز در این فرایند مؤثرند؛ ولی از آنجا که تأثیر بافت درون زبانی در این نوع عبارات به مراتب بیشتر است، در بخش بافت درون زبانی مطرح شده است؛ ولی هر جا لازم باشد به شرایط پیرامونی آن نیز اشاره می‌شود.

در قرآن کریم، توجه به ضمائر به‌ویژه ضمائر غایب و شناسایی مرجع ضمیر در آیات قبل یا بعد یا فهمیدن آن از طریق بافت و سیاق آیات از مسائل بسیار مهم در تفسیر آیات قرآن است، به گونه‌ای که تفاوت در تعیین مرجع یک ضمیر گاهی به برداشت‌های کاملاً متفاوت از آیه و حتی شکل‌گیری اصول عقیدتی متفاوت در یک آیه می‌گردد. برای نمونه در آیه (یوسف: ۴۲) اختلاف مرجع ضمائر در «انسا» و «ربه» برداشت‌های متفاوتی را در آیه مطرح ساخته و موجب پیدایش بحث‌های کلامی درباره عصمت انبیاء شده است. عبارات ارجاعی در آیه ۹۳ آل عمران بدین شرح است:

از واژه «طعام» ۲۴ مورد در سور مکی و ۲۴ مورد در سور مدنی به اشکال مختلف، ذکری به میان آمده است که در مجموع ۶ بار به اصل کلی حلال بودن غذاها، ۶ بار بخل و خودداری مردم تنگ نظر از اطعام فقرا، دو نوبت نام بردن از غذاهای ممنوعه و حرام و ۴ بار از جبران کفاره گناهان از طریق اطعام مستمندان یاد شده است.

طعام در تورات دارای جایگاه خاصی می‌باشد و در رابطه با آن در بخش‌های مختلف تورات قوانینی ذکر شده است (لاویان، بند ۳، ص ۱). خداوند خطاب به نوح (ع) فرمود: «هر جنبه‌ای که زندگی دارد، بر شما طعام باشد همه را چون علف سبز به شما دادم» (سفر پیدایش، بند ۲۲، ص ۱۳). طبرسی در مجمع‌البیان در تفسیر طعام می‌نویسد: «کل الطعام یعنی تمام خوردنی‌ها». اما آن طعامی که یعقوب بر خویش حرام کرده است، بین علما اختلاف نظر است.

برخی گفته‌اند گوشت شتر بوده و برخی گفته‌اند که گوشت «جزور» بوده و برخی گفته‌اند که دو زایده کبد و دو کلیه و پیه بوده است (طبرسی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۳۲). واژه "بنی اسرائیل"، ۲۲ مرتبه در آیات مکی و ۱۹ مرتبه در آیات مدنی به کار رفته است. مراد از بنی اسرائیل، فرزندان و نوادگان یعقوب پیامبر هستند، نکته‌ای پذیرفته شده و

مورد اتفاق همه پژوهشگران است. کاربرد مترادفی "اسرائیل" و "یعقوب" به گونه‌ای است که در بسیاری از اشعار عبری، به ویژه در عهد عتیق، استفاده از «یعقوب» و «اسرائیل» در صدر و ذیل ابیات به صورت جانشین به وفور یافت می‌شود (اعداد، بند ۲۳، ص ۷). به رغم اینکه در عهد عتیق، به صراحت از تغییر نام یعقوب به اسرائیل سخن رفته و آمده است که این نام به نشانه اعطای برکت الهی، به او داده شد، در مواضع دیگر کتاب مقدس، هر دو نام «یعقوب» و «اسرائیل» به وی اطلاق شده، و اسرائیل به گونه نامشخصی برای یعقوب و پسرانش به کار رفته است (سفر پیدایش، بند ۴۶، ص ۱). برخی از واژه‌شناسان کتاب مقدس با تفکیک «اسرائیل» به دو بخش «ئیل» به معنای خدا و «اسرا» به معنای عبد و بنده، آن را به معنای «بنده خدا» دانسته‌اند (طبرانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷۶).

در عبارت «قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا» ضمیر «فَأْتُوا» به یهودیان بهانه‌جو برمی‌گردد. علامه طباطبایی این آیات را با توجه به سیاق دال بر توبیخ و ملامت، خطاب به بنی اسرائیل می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۳۲). همنشینی "فاتوا" با "باء" نشان‌دهنده نوعی تأکید است و تأکید باعث می‌شود که هدف از این آیه که ذکر احکام طعام باشد بهتر محقق گردد. در این آیه دعوت یهودیان به آوردن تورات و تلاوت آن، بیانگر این است که آنان تورات را از دسترس عموم مردم چه مسلمان و چه یهودی خارج کرده بودند و بیشتر در اختیار احبار یهودیان بود.

وقتی به سیاق آیات این مجموعه (۶۳ تا ۹۹) توجه می‌شود، ملاحظه می‌گردد افکار و رفتار غلط اهل کتاب دسته بندی شده و هر مجموعه با فعل امر "قُلْ" خطاب به پیامبر(ص) و عبارت "یا اهل الکتاب" خطاب به یهودیان و مسیحیان آغاز شده است که محتوای همه آنها با غرض اصلی سوره یعنی آموزش علم حقیقی نسبت به وحدانیت خداوند متعال و دعوت به پرستش خدای یگانه، متناسبند و با هم کاملاً پیوند دارند و عامل پیوند بین آنها نیز همین عبارت "قُلْ یا اهل الکتاب" است.

از دیگر عبارات ارجاعی، واژه "التوراه" می‌باشد که معانی متعدد کلمه «تورات» در عهد قدیم، تعیین دقیق کاربردهای این واژه را دشوار کرده است. شاید بتوان گفت در مجموعه عهد قدیم سه مصداق برای واژه «تورات» بارزتر می‌نماید:

۱- آیین یا حکمی خاص یا مجموعه‌ای از احکام

۲- تعلیم و آموزش، چه از ناحیه‌ی خدا و چه افراد دیگر

۳- کتاب خاص حضرت موسی یا اسفار پنج‌گانه (Encyclopedia Judaica, vol. 15, p.1236).

در این آیه شریفه منظور از تورات، همان توراتی است که در آن ایام در دست علمای یهود بوده است و در عین حال دلالت بر این معنا است که تورات و انجیلی که آن روز در دست یهود و نصارا بوده، همه‌اش تحریف شده نبوده و همان توراتی که بعد از فتح بابل، عزراء با اذن کورش پادشاه ایران جمع کرده و بنی‌اسرائیل را از اسارت بابلی‌ها نجات داده است.

۲-۲. تحلیل بافت برون زبانی آیه

در این نوع بافت، موقعیت زمانی و مکانی پاره‌گفتار موجب فرایند تفاهم می‌شود و آیات بر اساس پنج مؤلفه «هایمز» بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. صحنه و موقعیت

دو مؤلفه «محیط و صحنه» و «ترتیب عمل» نزدیک‌ترین مؤلفه‌ها به فضای نزول است. برخورد یهودیان را با پیامبر(ص) در مدینه تا سال چهارم هجری زمان نزول سوره آل‌عمران را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد: برخورد اولیه که بیشتر به سکوت در برابر او، نپذیرفتن دعوت، انکار رسالت و... منتهی می‌شد و برخوردهای شدید مانند: اقدام به توطئه، راه انداختن جنگ و ایجاد تفرقه (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۵۰۳).

در سال اول هجرت، با نیرومند شدن اسلام در مدینه، یهودیان را به کار شکنی بیشتر وامی‌داشت، به گونه‌ای که در پی معارضه با پیامبر(ص) با شیوه‌های گوناگون بودند مثل

طرح سؤال‌های مختلف مانند اینکه اگر پیامبر است چرا بعضی غذاها، مثل گوشت شتر را که نزد ما حرام است، حلال می‌داند؟ و یا همدستی با منافقان و تفرقه‌افکنی بین مسلمانان نیز در زمره برنامه‌های یهود بود. در سال دوم مسائلی باعث پیمان‌شکنی یهودیان شد: مسئله تغییر قبله، جنگ با قبیله بنی قینقاع که منجر به اخراج آنها از مدینه شد. سال سوم هجرت، یهودیان مشکلاتی را برای پیامبر(ص) پیش آوردند مانند سریه محمد بن مسلمه، قتل ابورافع یهودی و اجازه ندادن به یهودیان برای شرکت در جنگ احد. و سال چهارم هجرت زمان نزول سوره آل عمران که در ترتیب نزول، هشتماد و نهمین سوره پس از سوره انفال می‌باشد، عمده‌ترین حادثه این سال، جنگ با بنی نضیر که دومین طایفه یهود بود که پیامبر(ص) به دلیل خیانت و توطئه آنها را از مدینه اخراج کرد (واقعی، ۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۳۷۵).

آیات این سوره درباره شکست مسلمانان در جنگ احد و حساسیت دو امپراتوری بزرگ آن زمان یعنی ایران و روم نسبت به حکومت نوپای اسلام همگی بیانگر این معناست که این سوره در زمانی نازل شده است که مسلمانان کاملاً مستقل نشده بودند و همین امر هشدار جدی برای دشمنان اسلام به حساب می‌آمد. مشرکین هماهنگ شدند تا با احتجاج‌ها و جدال‌ها ضربه‌ای فکری و روحی به مسلمانان بزنند. اهل کتاب در برخورد با اسلام دو هدف عمده داشتند: دفاع از حقانیت آئین خود و منسوخ نشدن آن و نابودی اسلام از رهگذر تشکیک در عقاید مسلمانان و ایجاد تفرقه در میان آنان و برانگیختن دشمنان اسلام بر ضد مسلمانان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۶۴۰). خداوند با بیان کردن راهکارهایی در این سوره در صدد ایجاد و تقویت انسجام درونی جامعه دینی و همین‌طور کسب آمادگی لازم برای مقابله با دشمنان نظامی و فرهنگی برآمد. آیه ۹۳ سوره آل عمران بیانگر نمونه‌ای دیگر از جوسازی در برابر پیامبر(ص) برای تضعیف جایگاه ایشان بود.

از روایات و نقل مفسران استفاده می‌شود که یهود دو ایراد دیگر در گفتگوهای خود به پیامبر(ص) گرفتند، نخست اینکه چگونه پیامبر(ص) اسلام گوشت و شیر شتر را حلال می‌داند با اینکه در آئین ابراهیم(ع) و سایر انبیاء بعد از او حرام بوده و به همین دلیل یهود

هم به پیروی از ابراهیم آنها را بر خود حرام می‌دانند. با این حال چگونه کسی که آنها را حرام نمی‌داند دم از آئین ابراهیم می‌زند؟ دیگر اینکه چگونه پیامبر اسلام (ص) خود را وفادار به آئین پیامبران بزرگ خدا مخصوصاً ابراهیم (ع) می‌داند در حالی که تمام پیامبرانی که از دودمان اسحاق فرزند ابراهیم بودند، به سوی بیت المقدس نماز می‌خواندند، ولی پیامبر (ص) کعبه را قبله گاه خود انتخاب کرده است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۱۴).

قوانین طعام و مراسم مذهبی آن در زندگی یهودیان نقش اساسی ایفا می‌کرد. طعام برای یهود چیزی فراتر از طعم غذا بود و به مثابه جزئی از راه کلی زندگی و عبادت خالق نگریسته می‌شد. در دیدگاه توراتی که نزد رهبران یهود بود، عمل خوردن را که امری فردی است، به کار و فعالیت اجتماعی تبدیل می‌کرد و معمولی‌ترین فعالیت‌ها مانند خوردن، ازدواج، کسب و کار در زندگی دنیوی انسان از شکل ابتدایی خود خارج شده و وسیله‌ای برای نزدیک شدن به خالق است (اشتاین سالتر، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷).

اساساً فقه یهود تمام جنبه‌های زندگی یک یهودی را در برمی‌گیرد و تعالیم شریعت یهود در زمینه غذا، کوشر نامیده می‌شود که قوانین آن در زندگی یهودیان نقش اساسی ایفا می‌کند. بر پایه قوانین کوشر، خوردن بعضی از حیوانات از جمله شتر جایز نیست. بنا به گفته تورات، فقط مصرف حیوانات نشخوار کننده و سم شکافته مجاز است (لاویان، بند ۱۱، ص ۵). در عهد عتیق مجموع بیست و هفتم در کتاب دانیال یکی از مهم‌ترین چالش‌ها را مقوله طعام مطرح کرده است، زمانی که دانیال در بارگاه پادشاه بابل حضور یافت و به دنبال ممانعت از خوردن طعامی که اصطلاحاً نجس بود، خداوند به او چنان درک و فهمی بخشید که وی توانست تمام علوم آن زمان را بیاموزد. از این گذشته خداوند به دانیال توانایی تعبیر خواب را نیز عطا فرمود.

۲۲۶ مقاله پژوهشی: «نقش مؤلفه‌های کاربردشناختی در تبیین آیات مشتمل بر تعاملات اجتماعی قرآن با اهل کتاب با تأکید بر آیه ۹۳ سوره آل عمران»: هاشمی، نفیسی و هاشمی

۲-۲-۲. شرکت کنندگان

مخاطبان آیه، معاصران پیامبر(ص) و بر اساس توضیحات پیشین، مسلمانانی هستند که در سال چهارم هجری، به لحاظ فکری و حتی عقیدتی همچنان در سلطه و سیطره یهود بوده و پاسخ ابهامات و سؤالات خود را از ایشان سراغ می‌گرفتند.

۲-۲-۳. ترتیب عمل

جملات قبل و بعد و یا وقایع خارجی قبل و بعد زمان نزول آیه و نوع پیوند آن به آیه مورد نظر بازگو می‌شود. علاوه بر آیه ۹۳ آل عمران، در سوره‌های دیگر نیز آیات مرتبط با موضوع خوراکی‌ها در قرآن کریم دیده می‌شود، به ترتیب نزول مانند: (نحل: ۱۸۸)، (انعام: ۱۴۶)، (بقره: ۱۷۳) و (مائده: ۵-۳) که هر کدام از این آیات موضوعات و مفاهیم هم‌پیوند خاص خود را دارند، اما نکته قابل توجه این است که مفسران و قرآن‌پژوهان آراء مختلفی در بیان مراد از حلیت طعام یهود در آیه ۹۳ سوره آل عمران ارائه داده‌اند و کمتر به تبیین وجه پیوند میان آن با سایر آیات سوره پرداخته‌اند. در ادامه پیوند موضوعی و محتوایی این آیه با سایر آیات سوره اثبات می‌شود.

تبیین و ترتیب پیوند آیه حلیت طعام با آیات سوره آل عمران با توجه به پیوستاری موضوعات در قرآن کریم بدین شرح است:

الف) پیوند انفاق و خبر از حلیت همه طعام‌ها دال بر انسجام شریعت الهی

با توجه به آیه ۹۲ آل عمران می‌توان گفت که یعقوب محبوب‌ترین خوراکی‌ها را برای اطاعت خدا ترک کرد. انفاق یعنی در اطاعت خدا از هر آنچه دوست داری بگذری و این آیه به آیه ۱۹ بقره و آیه ۸ سوره انسان مرتبط است (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۶). سید قطب همراهی حلیت طعام با انفاق در آیه ۹۲ آل عمران را دال بر این نکته می‌داند که شریعت الهی دارای کلیتی منسجم و کامل است و در نتیجه بین اعتقاد و عمل در آن فرقی نیست و همه اینها با هم دین کامل را می‌سازد (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۴۱).

به همین جهت آیه طعام یهود می تواند تفصیل اجمال آیه قبل که ترغیب به انفاق داشته های محبوب و از جمله طعام می باشد. و چون در سیاق موضوع انفاق برای اطاعت از خداوند و فرستاده اش قرار گرفته است. در اینجا مدعیان دروغگو مشخص می شوند. در آیه ۱۶۷ سوره اعراف در مورد واکنش های یهودیان خبر می دهد که آنها اصرار بر گناه دارند و از اوامر و نواهی که در کتابشان آمده است، پیروی نکردند، زیرا آنها احکام را خوانده اند اما در قلب های شان اثر نکرده است به همین دلیل عملکرد شان با تورات متفاوت است.

ب) کتمان و تحریف آیات منزل به دست یهودیان

قرآن کریم، کارهایی ناپسند در ارتباط با کتاب آسمانی، به اهل کتاب نسبت می دهد، از آن جمله فروش کتاب به ثمن بخرس (بقره: ۴۱؛ آل عمران: ۱۸۷)، پشت سر انداختن کتاب (آل عمران: ۱۸۷)، کتمان آگاهانه حقایق دینی و آمیختن حق به باطل (بقره: ۴۲، ۱۵۹، ۱۷۴؛ آل عمران: ۷۱) و نیز پنهان کردن نوشته های تورات که در این مورد اخیر، براساس آیه ۹۱ سوره انعام، روش اهل کتاب این بود که تورات را بر روی کاغذهایی نوشته و بخش هایی از آن را پنهان می کردند. در آیه ۱۵ مائده نیز به مخفی کردن کتاب توسط اهل کتاب اشاره می کند (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۹۹).

به این علت که آن کتاب مشتمل بر حقایق فراوانی از جمله صفات رسول (ص) و بشارت به نبوت آن حضرت و حقانیت ایشان بوده که اظهار آنها به سود عالمان و رؤسای منحرف یهود نبوده است (آل عمران: ۱۸۷) و همینطور در آیاتی دیگر، به کتمان برخی احکام اشاره شده است. آیه ۹۳ سوره آل عمران، که اشاره به پنهان کاری یهودیان نسبت به محرّمات خوردنی ها است تا آن مطالب بر بافته را به عنوان کتاب آسمانی، به مردم عرضه نمایند.

پ) پیوند مسئله نبوت و رهبری با اجرای احکام در جامعه

موضوع حلیت و حرمت خوراکی‌ها در باب امر نبوت و رسالت به‌خصوص لزوم تبعیت از فرستاده و شخص برگزیده الهی برای جلوگیری از گمراه شدن در پیوند است. جواد علی می‌گوید: امر حلال و حرام در زمان جاهلیت به رجال دینی یعنی همان نگاهبانان بت‌ها باز می‌گشت (جواد علی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۳۴۵). مدرسی در تفسیر «من هدی القرآن» وجه پیوند مسئله امامت با ذکر خوراکی‌های حلال و حرام را در آیات نخستین سوره مائده در این می‌داند که رهبری جامعه با موضوع اجرای احکام در جامعه در پیوند است (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۹۷-۲۹۶).

چه بسا در آیه ۹۳ سوره آل عمران هم با توجه به اهمیت طعام نزد یهود، نقش رهبری پررنگ شود؛ چرا که دین و تفصیل احکام با تعیین نبی است. این از معجزات رسول (ص) می‌باشد که با وجود امی بودن از طریق وحی آنچه که در تورات است را می‌داند (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۴ق، ج ۵، ص ۳۶۸). با ذکر این آیه خداوند این ذهنیت‌های پوچی را که یهود در دیگران ایجاد کرده که دین یهود تنها دین پذیرفته شده است را رد کرد و نشان داد که آنها در پی انکار نبوت هستند.

ت) پیوند با تبعیت از دین حنیف

موضوع خوراکی‌ها و تنگ کردن دایره خوراکی‌های حلال با مفهوم فرمان‌برداری یا نافرمانی در پیوند است. یهودیان در واکنش به این استدلال ادعای دیگری مطرح می‌کنند و تلاش می‌کنند با انتساب خود به ابراهیم (ع)، دین خود را موجه جلوه دهند قرآن با توجه به اینکه دین یهود و نصارا پس از ابراهیم (ع) پیدا شده، ضمن عتاب آنان به سبب چنین ادعا و ستیزی، اعلام کرد که ابراهیم (ع) بر دین یهود یا نصارا نبوده بلکه تابع دین حنیف بوده است (آل عمران: ۶۷).

ث) عمل نکردن به کتاب آسمانی

قرآن کریم از یک سو به علمای یهود و نصاری می تازد که چرا حق را کتمان می کنید و از سوی دیگر به مردم می تازد که چرا وقتی می بینید این علما فاسقند از آنها پیروی می کنید. بر اساس آیه مورد بحث در تورات کنونی سخنان حقی هم وجود دارد. یکی از آن حقایق، ایمان به پیامبر (ص) است. پس اگر یهودیان، اسلام نیاوردند، به این دلیل بود که به تورات عمل نکردند.

ج) پیوند یکسانی وحی بر سلسله انبیاء الهی

آیات ۸۳ تا ۸۵ آل عمران حاکی از یکی بودن همه ادیان الهی است. این آیات همگی برای رد بهانه جویی های یهود می باشد که قصد تردید در دل مسلمانان داشتند و حمله خود را با جنگ نظامی شروع کردند که پس از شکست مسلمانان زمینه برای جنگ فکری و اعتقادی مهیا شد. به همین جهت یهودیان در آیه ۹۳ سوره آل عمران بر نقاط اشتراک خود و مسلمانان یعنی پیامبران قبل مانند یعقوب و ابراهیم و احکام طعام آنان، تمرکز کردند؛ چرا که وجه مشترک همه ادیان توحیدی، ابراهیم است و هر آئینی اگر اعتقاداتش با آئین ابراهیم مطابقت داشت، دین راستین و اگر مخالف آن بود، دین جعلی است. به همین دلیل در ادامه آیات می فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳).

۲-۲-۴. سبک کلام

کیفیت تلفظ کلام در بیان های شفاهی و چگونگی ترکیب کلمه ها در جمله و نوشته ها است (بابایی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱). مفسران آیه ۹۳ آل عمران را در سیاقی جدلی فهم کرده اند. این آیه به یهودیان روزگار پیامبر (ص) ثابت کرد که احکام خوردنی های حلال و حرام یهودیان بر همه مؤمنان لازم الاجرا نیست. این عبارت سرزنش و نکوهش زیادی نسبت به یهودیان روا می دارد چون با علم و آگاهی، حکم خدا را رها کردند و آنان به خاطر دروغ بستن به خدا و مداومت و اصرار بر گناهان توبیخ شدند.

۲۳۰ مقاله پژوهشی: «نقش مؤلفه‌های کاربردشناختی در تبیین آیات مشتمل بر تعاملات اجتماعی قرآن با اهل کتاب با تأکید بر آیه ۹۳ سوره آل عمران»: هاشمی، نفیسی و هاشمی

۲-۲-۵. هدف

به نظر می‌رسد هدف از ذکر این دو آیه، مبارزه منطقی با یهودیان و سرزنش آنها و همینطور افشاء دروغشان درباره نسخ نشدن شرایع قبلی در تورات و در نتیجه بی‌اعتبار ساختن یهودیان در گفتارشان است که مورد استناد مشرکان در نقد مسلمانان قرار می‌گرفتند. جز آنکه این آیات با غرض سوره مرتبط است یعنی دعوت به ایمان آوردن به کتاب خدا و تشویق اعتقاد به توحید به معنای وسیع است.

۲-۳. از پیش انگاری آیه

یکی دیگر از عناصر کاربردشناسی پیش فرض‌های متکلم و مخاطب است که بر این اساس می‌تواند در لایه سوم بافتی قرار گیرد. در کاربردشناسی آنچه مربوط به پیش فرض‌های گوینده و کلام است، در قالب «از پیش انگاری»^{۱۰} مطرح می‌شود (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۷۳-۷۰) و آن موضوعی است که گوینده فرض می‌کند پیش از ادای پاره گفتم حقیقت دارد. بر این اساس این گوینده است که پیش‌انگاشت دارد، نه جمله. مثلاً در جمله «اگر دو ستم داشتی، کمکم می‌کردی» پیش فرض این جمله «دوست نداشتن» است (یول، ۱۳۹۵، ص ۴۲-۵۳).

در سنت اسلامی مؤلفه‌هایی کاملاً مشابه با عناصر یاد شده وجود ندارد، با این حال به نظر می‌رسد که نزدیک‌ترین عنوان به از پیش انگاری در مباحث اصول فقه، بحث مفهوم می‌باشد. در آیه مورد بحث، خبر «کان» بر بنی اسرائیل مقدم شده است و ساختار جمله نشان‌دهنده تأکید گوینده بر روی بخش خاصی از جمله یعنی «حلاً» است. در اینجا نکته ظریفی قابل استنباط است و آن این که یهودیان با وجودی که می‌دانند همه طعام‌ها حلال است به جز بعضی مواردی که یعقوب بنابر دلایل شخصی بر خود حرام کرده بود، بهانه‌جویی می‌کنند.

^{۱۰} presupposition

بنابراین حلال بودن طعام‌ها نزد قوم بنی اسرائیل پیش فرض (از پیش انگاری ساختاری) گرفته شده است و به همین جهت در ادامه جمله مورد بحث فرمود: «فَمَنْ افْتَرَى عَلَيَّ اللَّهُ الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (آل عمران: ۹۴)؛ پس چنین افرادی که آگاهانه و با وجود دانستن حقیقت از روی عدم راستی به خدا دروغ می‌بندند، ستمکارند و در ادامه می‌فرماید «فَأْتُوا بِالْبُورَةِ فَاتْلُوهَا إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» از پیش انگاری واقعیت ناپذیر مدنظر می‌باشد، چرا که ساختارهای جملات شرطی غیرواقعی متکلم می‌توانند جزء از پیش انگاری واقعیت ناپذیر قرار گیرند، "اگر راست می‌گویید" که می‌توان گفت پیش فرض این جمله "دروغگو بودن" یهودیان است. این منطقی قرآن در برابر ادعاهای یهودیان در صدر اسلام است. چون پیش فرض قرآن این است که بعضی از یهودیان ادعاهای پوچی دارند و به خداوند دروغ می‌بندند. در نتیجه در این جمله با استدلال و مستند سازی، دروغ‌های آنها را برای مخاطبان آشکار و تکذیب می‌کند.

۳. برون‌داد بررسی بافتی آیه

پس از توضیح درباره سه لایه بافتی و مؤلفه‌های آن، لازم است دو مؤلفه دیگر در کاربرد شناسی یعنی تلویح و کارگفت نیز شرح داده شود. با توجه به ماهیت این دو مؤلفه که استنباط آنها متوقف بر توجه به همه مقوله‌های بافتی و متنی است، پس از عبور دادن آیه از سه فیلتر بافتی و در پایان کار این دو مؤلفه به عنوان دو نتیجه یا برون‌داد تلقی می‌شود.

الف) تلویح یا تضمین

مسئله تلویح یا تضمین^{۱۱} برای اولین بار توسط هربرت پل گرایس (۱۹۱۳-۱۹۸۸) فیلسوف زبان انگلیسی مطرح گردید. گرایس تلویح را دلالت یک پاره گفت بر مفهومی دانسته که گوینده «قصد» کرده ولی در جمله‌اش «نگفته» است. این مفهوم به معنای چیزی است که در یک پاره گفت تلویحاً به آن اشاره شده است (Grice, 1975, p44).

^{۱۱} implicature

برای مثال، در جایی که شخص «الف» قصد دارد، شخص «ب» را به صرف ناهار دعوت کند، اگر «ب» در پاسخ گوید: «ساعت ۱ کلاس دارم و تکالیفم را انجام نداده‌ام»، منظور او این است که وی برای خوردن ناهار وقت ندارد و از این رو دعوت «الف» را رد می‌کند. با این حال به این مطلب با گفتن «نه» صریحاً اشاره نشده است.

بیان معانی ضمنی در آیه ۹۳ سوره آل عمران: متناظر تلویح، در بلاغت و در ضمن مباحث مجاز، کنایه، تشبیه و استعاره در سنت اسلامی، دارای مباحث مفصلی است. بافت درون زبانی و برون زبانی و حتی دانش‌های غیرزبانی شنونده در استنباط تلویحات مؤثرند و قرآن کریم نیز به لحاظ دربرداشتن نمونه‌هایی از این قبیل بسیار غنی است. برای مثال در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره طه، برخی علت پرگویی حضرت موسی (ع) را در این مقام، علاقه وی برای مناجات با خداوند دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۴۴) و برخی دیگر با توجه به این که حضرت موسی (ع) می‌دانست پرسش‌گری خداوند مقدمه‌ای است برای بیان اسرار نهفته و ویژگی خاص آن عصا و از این رو با ذکر فواید عصا و عبارت «وَلِي فِيهَا مَارِبٌ أُخْرَى» اشتیاق خود را برای شنیدن ویژگی معجزه‌آسای قرآن نشان داد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲، ص ۲۶). در این آیه، سؤال خداوند از موسی، سؤال حقیقی و واقعی نیست (سعیدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۲)، بلکه خداوند از پرسیدن آن هدفی داشته است که این هدف همان معنای ضمنی است که از نقض اصل کیفیت گرایش به دست می‌آید.

از مهم‌ترین اصول همکاری گرایش اصل ربط است که در قرآن کریم مصادیق زیادی دارد. این اصل را به‌ویژه می‌توان درباره پایانه‌های آیات یا فواصل الآیات و ربط آنها با خود آیه یا ابتدای آن یا آیات قبل استفاده کرد و معانی ضمنی از آن استخراج کرد یا افعال گفتاری متفاوتی را با توجه به ربط پایانه آیه با خود آیه به دست آورد. در این بخش با توجه به آیه ۹۴ سوره آل عمران، یهودیان به آیین ابراهیم که دور از شرک است دعوت می‌شوند و تلویحاً اشاره می‌شود که ادعای آنان در پیروی از ابراهیم (ع) بی‌اساس است، چون آنها به خدا نسبت ناروا می‌دهند. قرآن در پاسخ به آنها از این روش استفاده کرده است.

آنان برای اثبات آنچه منکر شدند در کتابشان مطلبی در تأیید این ادعا وجود ندارد. به گواهی کتاب مقدس، برخی از یهودیان ضمن بر شمردن اوصاف پیامبر اسلام (ص) در کتاب‌هایشان به او ایمان آوردند. اما برخی دیگر این نشانه‌ها را مرتبط به پیامبر ندانستند (کتاب مقدس، ص ۲؛ سموئیل، بند ۷، صص ۴-۱۶). توجه به "اصل ربط" میان اجزای داخلی آیات و ارتباط آن با آیات قبل و بعد و نیز نقض اصل کیفیت در آیه ۹۳ سوره آل عمران، مستلزم معنای ضمنی است.

بر اساس اصل کیفیت گرایس، گوینده اطلاعاتی می‌دهد که حقیقت داشته یا حداقل خود به حقانیت آن اعتقاد داشته باشد. می‌توان گفت که در این آیه اصل کیفیت نقض شده است. عبارت «إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» در این آیه علی‌رغم شرط، هدف گوینده یعنی خداوند، فهم خبر نبوده است، بنابراین ندانستن او واقعیت نداشته و او عامداً شرطی که پاسخ را می‌دانسته، مطرح کرده است. تأیید این مطلب جمله بعد است که می‌فرماید: «فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ». با توجه به قرائن دیگری که قبلاً مطرح شده، معنای استنباط شده از این تخطی اصل کیفیت، آن است که گوینده در پی نکوهش و سرزنش مخاطب است و اینکه رسالت پیامبر (ص) اسلام ادامه رسالت موسی (ع) است. با توجه به آیات متعددی که قبل و بعد این جمله ذکر شده است، بحث ولایت امیرالمؤمنین نیز می‌تواند مطرح شود.

ب) کارگفت‌ها (کنش‌های گفتاری)

«نظریه کارگفت»^{۱۲} یکی از مهم‌ترین مباحث کاربردشناسی است که فراتر از سطح گفتن واژگان و ساختارهای نحوی و معناشناسی حاکم بر آن است و به همه سطوح بافت نیازمند است. «آستین» فیلسوف زبان‌شناس بیان کرد که در میان اظهارات زبانی، طبقه مهمی وجود دارد که دارای صورت خبری‌اند و ارزش صدق و کذب ندارند؛ زیرا قصد گوینده توصیف وضع و حال یا واقعیتی نیست؛ بلکه انجام یک فعل به وسیله همین جملات است، مانند: «من به تو اخطار می‌کنم که به خاطر رفتارت بالاخره اخراج می‌شوی».

^{۱۲} Speech Act Theory

در این پاره گفتار بیانی از نوع کنش کرداری صریح از فعل اخطار دادن استفاده شده، در حالی که جمله «به خاطر رفتارت بالاخره اخراج می شوی» هیچ فعل صریحی از نوع کنش کرداری غیر صریح که همان مفهوم اخطار را دربردارد، به کار نرفته است. اعمالی را که پاره گفت‌ها انجام می‌دهند، عموماً کنش‌های گفتاری یا کارگفت می‌نامند (صفوی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۴).

"آستین" زبان‌شناس معتقد است که هر اظهاری نوعی کارگفت یا فعل کارگفتی است که هر گاه گوینده جمله‌ای را بر زبان جاری می‌کند هم‌زمان منجر به انجام دو عمل یا کنش مبادرت می‌ورزد: کنش بیانی (واژگانی)^{۱۳} و غیربیانی (منظور شناختی)^{۱۴} است. برای مثال اگر گوینده بگوید "در را ببند" ادا کردن این جمله و ادای کلمات معنا دار، همان کنش بیانی می‌شود و اگر منظور گوینده از این جمله امر به انجام کار بوده که کنش منظور شناختی است (آقا گل زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۴۸).

کنش‌های غیربیانی انواعی دارد مانند: اعلامی، اظهاراتی که بر اساس آن تغییری در وضعیت مخاطب یا جهان خارج ایجاد می‌شود، البته به شرط این که گوینده دارای نقش اجتماعی خاصی برای ایجاد آن تغییر را داشته باشد، مانند شخص قاضی به مجرم: "من شما را به سه سال زندان محکوم می‌کنم". و کنش عاطفی، اظهاراتی است که گوینده احساسات و عواطف خود را بروز می‌دهد (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۸).

در تفسیرهای اسلامی نیز به این موضوع اشاره شده است. در هنگام بحث از مواردی چون اوامر و نواهی و هنگام صحبت از ظهور صیغه امر در وجوب و نهی در حرمت به این موضوع اشاره کرده‌اند که گاهی از جملات سؤالی نیز معنای خبری فهمیده می‌شود، مانند (مائده: ۱۱۶).

^{۱۳} Locutionary Act

^{۱۴} Illocutionary Act

برخی مفسران با توجه به غیرحقیقی بودن پرسش در این آیه به این نکته اشاره کرده‌اند که منظور از این سؤال توییح و سرزنش مسیحیان به خاطر داشتن اعتقادات باطل است (صانعی پور، ۱۳۹۰، صص ۱۴۸-۱۲۸). نمونه دیگر جمله‌های خبری در مقام انشا هستند، مانند (آل عمران: ۹۷) که جمله اسمیه ظهور در وجوب دارد.

نگاه اصلی این مقاله در بررسی آیه ۹۳ سوره آل عمران، نگاه کارگفتی است که شاید مناسب‌ترین رویکرد در بررسی آن می‌باشد. با توجه به قرائن بافتی، مخاطب اصلی که یهودیان یا معاصران زمان پیامبر هستند و گوینده که خداوند است، کنش گفتاری از جمله مورد بحث، از نوع اعلامی بوده که امضا شدن حکم الهی درباره همه طعام‌ها را نشان می‌دهد و بیان حکم دسته دوم از عمل نکنندگان به احکام الهی در پاره گفت «فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَأْتُلُوهَا» علی‌رغم اینکه ظاهر جمله امری است ولی امری محقق نشده و با توجه به اینکه گوینده این جمله خداوند می‌باشد، به جهت پایانه «إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» جمله، به صورت خبری درک می‌شود. یعنی «چون این کار را نمی‌توانید انجام دهید، به خدا اتهام دروغ زدید»، کارگفت غیرمستقیمی از نوع کنش عاطفی توییحی محقق شده است و کنش عاطفی در این آیه، مذمت کردن و توییح کردن است. کارگفت آن نیز سرزنش است که خداوند به عنوان مذمت کننده اهل کتاب به نظر می‌آید.

در رابطه با اثری که این آیه بر مخاطبان خود یعنی یهودیان گذاشته می‌توان گفت که با بررسی فقه پس از اسلام و احکام معاصر یهودیان در مورد گوشت‌ها مشخص می‌شود که همچنان خوردن گوشت شتر و شیر آن در آیین یهود حرام است (حسن ظاظا، ۱۹۷۱، ص ۲۳۸). در تورات بیان شده است که اسرائیل ضمام جگر و دو قلوه و پیه روی آن را بر خود حرام ساخت و آنچه را در پشت قرار دارد، استثنا کرد. اینها اجزایی بود که باید به عنوان پیشکشی به خداوند سوزانده می‌شد (خروج، بند ۱۳، ص ۲۰) که با روایت قرآن (انعام: ۱۴۶) از احکام خوردنی‌های یهود ترکیب شده است.

در ضمن این که اشاره به عرق النساء در تفسیر این آیه به خاستگاه آن در کتاب مقدس (پیدایش، بند ۳۲، ص ۳۳-۲۵) در قوانین روزمره بیان می‌کند که یهودیان همچنین عرق النساء که در کف ران راست ((gid ha-nasheh)) را نباید بخورند (پیدایش، بند ۳۲، ص ۳۲).

بحث حلال و حرام در فقه یهود تحت تأثیر ادعاهای پوچی است که اخلاف و احبار آنان به ارث گذارده‌اند. احکام فقهی آنان که توسط مذهبیان یهودی از قرن اول میلادی گرفته شده است، ریشه آن به دو مکتب بر می‌گردد که مکتب اول به تسامح و تساهل مشهور است و مکتب دوم به سخت‌گیری. (ظاظا، ۱۹۷۱ق، صص ۲۴۰-۲۳۰).

به همین جهت در طول تاریخ شاهد بودیم که آنان به علت تعصب و غرورشان نمی‌خواهند با سایر مردم زندگی کنند و در نتیجه هر آنچه که می‌خواهند حلال و هر آنچه که نمی‌خواهند حرام می‌کنند. از طرفی مسلمانان با توجه به آیه ۵۰ سوره آل عمران معتقدند که همه ادیان در زمان خود حق بوده و در احکام نیز تابع پیامبر(ص) هستند چون ایمان به او یعنی ایمان به خداوند متعال.

خداوند در سوره آل عمران در آیات مرتبط به تعاملات اجتماعی با اهل کتاب به عنوان متکلم، فراتر از معناشناسی و معنای بالقوه‌هایی که در الفاظ و عبارات وجود دارد، به دنبال ایجاد تأثیر و عبرت گرفتن در مخاطب است و از آنجا که مخاطب او که انسان است دارای عقل و اختیار و جوای کمال و پیشرفت است با بیان سرگذشت پیشینیان (جنگ‌ها، تاریخ پیامبران، تعاملات بین ادیان و ذکر احکام) به دنبال هشدار و بیم و تشویق در مخاطبان خود به اعتصام همگانی به جبل متین الهی و تشکیل جبهه اتحاد منطقه‌ای بین امت اسلامی و نصارا و یهود به باور کردن توحید و نفی رژیم ارباب و رعیتی و تعامل فرهنگی متقابل است و همینطور بیان می‌کند که در صورتی که پا در جای پای گذشتگان قرار دهید، به سرنوشت آنها مبتلا خواهید شد.

در واقع هشدار دهنده به دنبال این است که انسان‌ها خود را از ورود به ورطه هلاکت در امان گذارند. لذا در تحقق کارگفت‌های آیه مورد بحث شرایطی ایجاد شده است که انگیزه لازم برای اجتناب از خطر در مخاطب ایجاد شود که تمایل به اطاعت داشته باشد. این نوع کارگفتها در حقیقت با ظرافتی خاص مکانیزمی بازدارنده در مخاطب ایجاد می‌کند به گونه‌ای که در دل مخاطب هراسی به وجود نیاید که مخاطب منجر شود، بلکه با صرف ایجاد آگاهی و دانایی در مخاطب نسبت به خطرات و تهدیدات آینده، زمینه اجتناب از یک عمل را در وی ایجاد کند.

نتیجه‌گیری

از بررسی آیات فوق از سوره آل‌عمران با روش کاربردشناسی و توجه به مؤلفه‌ها و ابزارهای بافت و بررسی برون داد این نتایج به دست آمد:

- توجه به مؤلفه‌های درون زبانی و برون زبانی بخشی از ابزارهای زبانی است که در روش کاربردشناسی برای تبیین مراد جدی گوینده یا نویسنده یک پاره گفت بکار می‌رود. توجه به بافت موقعیت، شرایط زمانی و مکانی نزول آیات قرآن و دیگر ابزارهای مطرح شده در کاربردشناسی می‌توان به صورت گسترده در اختیار مفسر قرار گرفته و در تبیین مراد جدی خداوند به کار آید.

- بر اساس تحلیل کاربردشناسی آیه ۹۳ سوره آل‌عمران، می‌توان گفت که این پاره گفت پیوند بین موضوع حلیت و حرمت با موضوع مقتدای دینی و تبعیت از او را در جامعه عرب در سال‌های نزدیک به نزول وحی را نشان می‌دهد.

- در میان اقسام از پیش‌انگاری، آنچه در بررسی آیات ۹۳ سوره آل‌عمران مدنظر است، از پیش‌انگاری واقعیت‌ناپذیر قرار دارد که از جملات شرطی غیرواقعی قابل استنباط است.

- بر اساس تحلیل کارگفتی آیات آل عمران این مفهوم در قرآن دارای ساختار دقیق و منظمی است که از جانب هشدار دهنده با توجه به شرایط و ویژگی‌های مخاطب و مطابق با دانایی او از جانب متکلم صادر شده است. هشدار دهنده اصلی در قرآن خداوند است و پیامبران به عنوان رسول و مظاهر اسماء و صفات الهی به عنوان ناقلین این هشدار و در طول بیم دادن الهی نقش آفرینی می‌کنند. اساساً کارگفت‌هایی نظیر هشدار و توییح، اعلان و اخباری از طرف خداوند متعال بر مخاطبان یعنی اهل کتاب بر مبنای دلسوزی و محبتی که نسبت به همه مخاطبان خود یعنی مخلوقات و به ویژه انسان‌ها دارد، شکل می‌گیرد و در عین حال با تأکید بر عقلانیت و اختیار مخاطب بیان می‌شود؛ بدین معنا که شنونده و مخاطب هیچ‌گاه احساس اجبار نمی‌کند و حتی پس از شنیدن مخاطبه هشدار می‌تواند از آن امتناع از اطاعت نماید.

منابع

۱. **قرآن کریم.**
۲. آفا گل زاده، فردوس (۱۳۹۲)، **فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی**، تهران: انتشارات علمی.
۳. ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی‌تا)، **التحریر والتنویر**، بی‌جا: بی‌تا.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، **تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة و منشورات محمدعلی بیضون.
۵. ابن هشام، عبد الملک بن هشام (۱۳۸۳ق)، **السیرة النبویة**، تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، قاهره: مکتبه محمد علی صبیح و اولاده.
۶. اشتاین سالتز، آدین (۱۳۸۲)، **سیری در تلمود**، مترجم: باقر طالبی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۷. بابایی، علی اکبر (۱۳۹۲ق)، **مکاتب تفسیری**، تهران: انتشارات سمت.
۸. رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ق)، **مفاتیح الغیب**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۹. سید قطب، ابن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق)، **فی ظلال القرآن**، بیروت: دارالشرق.

۱۰. صناعی پور، محمدحسین (۱۳۹۰ش)، *مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۱. صفوی، کوروش (۱۳۸۲ش)، *معنی شناسی کاربردی*، انتشارات همشهری.
۱۲. صفوی، کوروش (۱۳۹۳ش)، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران: سوره مهر.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۶ق)، *المعجم الكبير*، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۲۷ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمرتضی.
۱۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
۱۷. ظاظا، حسن، (۱۹۷۱ق)، *الفکر الدینی الاسرائیلی*، مصر: اسکندریه.
۱۸. علی، جواد (۱۴۲۳ق)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بغداد: جامعه بغداد.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
۲۰. *کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید* (۱۳۸۰ش)، ترجمه: فاضل خان همدانی و ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران: اساطیر.
۲۱. مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، تهران: دار محبی الحسین.
۲۲. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، *تفسیر الکاشف*، قم: دار الکتاب.
۲۳. ملاحویش آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۴ق)، *بیان المعانی*، دمشق: مطبعة الترقی.
۲۴. واقدی، محمد بن عمر (۱۹۸۹م)، *المنازی*، بیروت: الأعلمی.
۲۵. یول، جورج (۱۳۹۵)، *کاربردشناسی زبان*، ترجمه: محمد عموزاده مهدیرجی، تهران: انتشارات سمت.

26. *ENCYCLOPAEDIA JUDAICA*, (2003), Second Edition, vol 15.
27. Grice, Herbert Paul (1975), *Logic and Conversation, In Syntax and Semantics*, New York: New York Academic Press.
28. Saeed, John (2003), *Semantics*, Oxford: Blackwell.

Bibliography:

1. The Holy Quran
2. Aghagolzadeh F. Descriptive Dictionary of Discourse Analysis and Pragmatics. Tehran: Elmi; 2014.
3. Ibn 'AShūr MT. Al-Tafsīr al-Tahrīr wa al-Tanwīr. Beirut: Al-Ta'rikh Al-'Arabī Institute; 1420 AH.
4. Ibn Kathīr IbU. Tafsīr al-Qur'an al-'Azīm. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyah; 1419 AH.
5. Ibn Hishām 'A. Al-Sīrah Al-Nabawīyah. Research: Muhammad Muhyuddin Abdul Hamid, Cairo: Muhammad Ali Sabih and His Sons' Library; 1383 AH.
6. Stein Saltz A. A Glance at the Talmud. Trans: Talebi B. Center for the Study and Research of Religions and Schools; 2004.
7. Babaei A. Exegetical Schools. Tehran: Samt; 2012.
8. Fakhr al-Dīn Rāzī Mb'U. Mafātīh al-Ghayb. 3rd ed. Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī; 1420 AH.
9. Sayed Quṭb. Ft Zilāl al-Qur'an. Beirut-Cairo: Dar al-Shurūq; 1412 AH.
10. Sanei-pour MH. Fundamentals of rhetorical analysis in the Holy Qur'an. Tehran: Imam Sadeq University; 2012.
11. Safavi K. Applied Semantics. Tehran: Hamshahri; 2004.
12. Safavi K. An Introduction to Semantics. Tehran: Soore-e Mehr; 2015.
13. Ṭabāṭabāeī, S. Muhammad Hussein. Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an. Tran: M. Baqer Mousavi. Qom: Islamic Publications Office; 1996.
14. Tabarani SA. Al-Mu'jam Al-Kabir. Researcher: Hamdi Abdul Majid Al-Salafī. Dar al-'Ihya' al-Turath al-Arabi; 1406 AH.
15. Ṭabrisī FbH. Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an. Beirut: Dar Al-Morteza; 1427 AH.
16. Ṭabari MbJ. Jāme'a al-Bayān fī Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar al-Ma'rifa; 1412 AH.
17. Zaza H. Al-Fikr al-Dini al-Israeili. Egypt: Alexandria; 1971.
18. Ali J. Al-Mufassal Ta'rikh al-'Arab Qabl al-Islam. Np: 1423 AH.
19. Al-'Ayāshī. Al-Tafsīr. E. Hāshim Rasūlī. Tehran: Maktaba al-'Ilmiya; 1380 AH.
20. Old Testament and New Testament Bibles. Trans. Fazel Khan Hamedani, William Glenn and Henry Marten. Tehran: Asatir; 2002.

21. Mudarresi MT. Min Huda al-Qur'an. Tehran: Dar Muhebbi al-Hossain; 1419 AH.
22. Mughniya MJ. Tafsir al-Kāshif. Tehran: Dar al-Kutub al-Islami; 1424 AH.
23. Mullā Ḥuwaysh Āl Ghāzī 'AQ. Bayān Al-Ma'ānī. Damascus: Al-Taraqquī Printing House; 1384 AH.
24. Al-Wāqidī MB 'A. Al-Maghāzī. Beirut: Al-'A'lami; 1989.
25. Joel G. Application of language. Trans: Amouzadeh Mahdiraji M. Tehran: Samt; 2017.
26. Encyclopaedia Judaica, 2nd ed. Vol. 15, 2003.
27. Grice H. P. Logic and Conversation. In Syntax and Semantics. New York: New York Academic Press; 1975.
28. Saeed J. Semantics. Oxford: Blackwell; 2003.